

# دختر شالی، عطر خزر

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)

آرزو رضایی انارستانی



بهار ۱۴۰۳

# دختر شالی، عطر خزر

نویسنده: آرزو رضایی انارستانی

ویراستار: مژگان معصومی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۶۱-۲۷-۸

شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۲۳۱۴۰

نوبت نشر: دوم

زمان نشر: بهار ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰ جلد

ناشر چاپ: رضا هاشمی

قیمت: ۳۳۰,۰۰۰ تومان

## بیادآوری اخلاقی و حرفه‌ای:

کلیه حقوق ناشی از این اثر متعلق به انتشارات شادان است و هرگونه استفاده مادی، معنوی و غیره (به هر شکل و در هرگونه بستر واقعی یا مجازی) صرفاً با کسب اجازه رسمی از ناشر (نماینده نویسنده) امکانپذیر می‌باشد.

ناشر شادان

گروه فرهنگی انتشاراتی



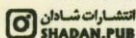
دفتر مرکزی: تهران

اشرفی اصفهانی - بالاتر از نیایش - خیابان دربندی - شماره ۳۵

تلفن ۰۲۰ ۲۴۱۰۲۴۸۸ - ۰۲۱ ۸۱۸۸۰۴۴ - ۰۸۰ ۱۸۸۰۴۴

[www.shadan.ir](http://www.shadan.ir)

[info@shadan.ir](mailto:info@shadan.ir)



در اینستاگرام نیز همراهان باشید:

عنوان: دختر شالی، عطر خزر پدیدآور: آرزو رضایی انارستانی،

تهران: شادان، ۱۴۰۱، ۴۶۹ صفحه، (زمان ۱۲۹۵)

شابک: ISBN : 978-600-7368-27-8

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

موضوع: داستانهای فارسی - قرن ۱۵

رده‌بندی کنگره: PIR ۸۳۴۵ رده‌بندی دیویی: ۶۲/۳۸

شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۲۳۱۴۰

## زنان با فداکاری همیشگی...

اصطلاح مناسبی نیست ولی مثل یک «اپیدمی» زنانه میان کسانی است که عنوان مادر و همسر را در زندگی دارند. انگار به بعضی‌ها تکلیف شده که چون نقش مادر خانواده را دارند پس حتماً باید خود را فراموش کنند و تمام زندگی را برای دیگر اعضای خانواده بگذارند (گاهی هم این نقش به خواهر یا دختر خانواده می‌رسد). انگار که خلق شده‌اند برای خدمات دادن به دیگران و فراهم آوردن وسایل آسایش و رفاه بقیه!

به رسم معمول، این مادران اینکارگر شاید هیچگاه دنیایی غیر از این را تصور نکنند و نخواهند، اما گاهی پیش می‌آید که با گذر عمر، حسرت این نوع از زندگی و سالهای برباد رفته برایشان می‌ماند. یکبار پای صحبت یکی از همین مادران عزیز و فداکار - و حتی تحصیل کرده - نشستم و درد دلی کرد بسیار اثرگذار، لااقل برای من:

دلم می‌خواهد فرصتی بیابم که بتوانم خود را ببخشم و لااقل کمی آرامش به دست آورم. دلم از تمام آسیب‌های جسمی و روحی که به خود زده‌ام گرفته است، دلم از اینکه به دیگران، به نزدیک‌ترین کسانم اجازه دادم مرا نادیده بگیرند و این را حق خود می‌دانستند، پُر است! ای کاش می‌توانستم به آن روزها که بی‌دریغ برای خانواده‌ام از جان مایه



می گذاشتم و هیچ انتظاری هم نداشتم برگردم تا به آنها یادآوری کنم این رفتار وظیفه ذاتی من نیست و اگر از زندگی خود، آرامشم و حتی جسم و جان خویش برای شما می گذرم باید قدردان آن باشید و آن را بر زبان بیاورید. دلم می خواهد فرصتی بیابم که خود را سخت در آغوش بکشم و برای لحظه ای خود را عاشقانه دوست داشته باشم. می دانم فرصتش نیست که چیزی را جبران کنم ولی شاید یک روز بتوانم رودرروی آینه بنشینم و با زُل زدن در چشمانم بگویم دیگر هیچگاه تو را تنها نخواهم گذاشت!

روی تحصیل کرده بودن این مادر تاکید کردم که بگویم نادیده گرفتن خویش می تواند در تمام طبقات اجتماعی و تحصیلی رخ دهد و از سر نا آگاهی اجتماعی نیست. حتی به قول همین گوینده، کار تا به آنجا میرسد که دیگران تصور می کنند وجود او صرفاً برای همین ایثار مستمر و از خودگذشتگی همیشگی است.

داستان امروز ما گستره زمانی نسبتاً بلندی را در بر می گیرد ولی نویسنده به خوبی توانسته روند داستان را در بازه های مختلف ترسیم کند و در دام زیاده نوشتن نیفتد. قهرمان قصه ما با توصیف اولین نوشته بی ارتباط نیست و شخصیتش برای مخاطب آشناست. این گستره زمانی نکته ای مثبت با خود دارد که مخاطب را ضمن جذب در قصه، با وقایع رخ داده اجتماعی هم آشنا می سازد، به ویژه اگر خواننده در آن مقاطع زمانی نبوده باشد.

به هر حال توصیه می کنم دختر شالی را از نویسنده ای دارای سابقه ولی با اولین کار در شادان بخوانید که بر ایجاد ارتباط لازم بین مخاطب با قهرمانانش تردید ندارم.

بهمن رحیمی

مردادماه ۱۴۰۲ - تهران

لست لست